فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

۱۰ استاد دانشگاه ایرانی و چینی ابعاد مختلف تغییر بزرگ در سیاست‌خارجی را تحلیل کردند

تهران-پکن به روایت دانشگاه

فرهیختگان برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های ایران و چین، بیش از آنکه براساس منافع ملی و با حضور اساتید دانشگاه و کارشناسان مسائل بین‌المللی موردبررسی قرار گیرد، بازیچه محافل سیاسی و دورماندگان از قدرت شد. البته ماه‌ها پیش از محافل و احزاب داخلی، یک سایت انگلیسی درحالی که هنوز متن برنامه نیز نهایی نشده بود، ادعاهایی درباره این برنامه کرد که مهم‌ترین بخش آن اعزام پنج هزار نظامی چینی به ایران بود. کمتر از یک سال بعد و پس از استفاده نادرست از کلمه «تصویب» برای این برنامه در هیات‌دولت، فضاسازی‌ها پیرامون آن در داخل کشور و رسانه‌های فارسی‌زبان معاند آغاز شد، آن‌طور که رصدگران رسانه‌های فارسی‌زبان می‌گویند، ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی در ۱۰ روز، ۱۲۱ خبر یعنی روزانه ۱۲ خبر علیه این سند همکاری منتشر کردند. از ابتدای تیرماه تا امروز چندین نشست و وبینار در دانشگاه‌ها درباره سند همکاری ایران و چین برگزار شده و به ابعاد مختلف آن پرداخته شده است. اما تا امروز جامع‌ترین نشست در این‌باره را «مجمع بین‌المللی اساتید مسلمان دانشگاه‌ها» برگزار کرده است. فواد ایزدی، مدیرعامل مجمع بین‌المللی اساتید مسلمان دانشگاه‌ها و عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران با توجه به اهمیت این موضوع نشستی تخصصی را با حضور اساتید ایرانی و چینی با عنوان «برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های تهران-پکن و چشم‌انداز مناسبات ایران و چین در دو دهه آینده» برگزار کرد. در این نشست که به‌صورت وبینار برگزار شد، اساتید دانشگاه ایران و چین و سفرای اسبق ایران و چین به بیان نقطه‌نظرات خود درباره برنامه همکاری جامع ایران و چین پرداختند. متن این نشست را در ادامه می‌خوانید.

حسین ملائک
سفیر اسبق ایران در چین

روابط ایران و چین یک رابطه ساده دوجانبه نبوده، نیست و نخواهد بود. این مساله در نظام بین‌الملل تعریف شده است. هر دو کشور اگر بخواهند به یکدیگر نزدیک بشوند فرآیند جدیدی ایجاد می‌شود که این فرآیند می‌تواند برای تعدادی از طرف‌ها دارای نقاط مثبت و برای برخی طرف‌های دیگر دارای نقاط منفی باشد. پس واکنش‌هایی که نسبت به توسعه روابط ایران و چین صورت می‌گیرد، طبیعی است. نزدیک شدن این دو کشور به هم اثرات بسیار بااهمیتی در نظام سیاسی جهان و منطقه خود ما دارد و لاجرم مخالفانی نیز دارد. یکی از این مخالفان مایک پومپئو وزیر خارجه آمریکا است که توافق ۲۵ ساله ایران و چین را به ترکمنچای تشبیه کرده تا بتواند در داخل ایران جوسازی کند. شاید نزدیک ۸۰ درصد از جوسازی‌هایی که در داخل کشور وجود دارد را بتوان منطبق دانست بر یک شایعه‌سازی که petroleum economist یک سال و نیم قبل انجام داد. براساس این شایعه شیرین هانتر مقاله‌ای به‌اصطلاح عاطفی نوشت و گفت ایران از دست رفت و مدعی شد ایران درحال واگذاری به کشورهای خارجی است. شایعات در ایران براساس این دو اطلاعات غلط پخش شد.

در سال ۱۳۷۹ که سفیر ایران در چین بودم، هاشمی (معاون اجرایی ریاست‌جمهوری) سفری به چین داشت. تفاهمنامه‌ای به‌عنوان تفاهمنامه روابط همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور امضا شد. آن تفاهمنامه با سند اخیر تفاوت چندانی ندارد. در این دو تفاهمنامه تنها از پتانسیل‌های دو کشور برای همکاری اسم آورده شده، لیست شده و براساس آن پتانسیل‌ها ابراز امیدواری شده که بتوانند با همدیگر همکاری کنند.

در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۶ جهان دچار بحران اقتصادی شد. آمریکا و به‌طور کلی غربی‌ها در این نقطه عقب افتادند. در این دوره چینی‌ها بدون اینکه با مشکلات زیادی روبه‌رو باشند یک گام بزرگ به جلو برداشتند. چینی‌ها مقدار زیادی نقدینگی داشتند و برای آنکه بتوانند از آن استفاده کنند در سال ۲۰۱۳ طرح «یک جاده، یک کمربند» را مطرح کردند. در سال ۲۰۱۵ چینی‌ها سرعت‌شان را بالاتر بردند. در این سال چینی‌ها طرحی ارائه کردند به نام «چین ۲۰۲۵» که طی آن قرار است این کشور در ۱۰ سال خودش را از چیزی که به آن کارخانه جهان می‌گویند به یک کشور نوین دیجیتالی و الکترونیکی تبدیل کند و دیگر چین کارخانه جهان به مفهومی که در آن تولید با کارگر ارزان صورت می‌گیرد، نباشد.

شی جینگ‌پینگ رئیس‌جمهور چین در سال ۲۰۱۶ براساس همین طرح به ایران آمد. قبل از انجام این سفر و در جریان ملاقات مسئولان سیاسی ایران با طرف‌های چینی، چینی‌ها چنین جمله‌ای را به طرف ایرانی منتقل می‌کنند: «ما یک موقعی کارخانه جهان بودیم الان می‌خواهیم این کارخانه بودن جهان را بدهیم به کشورهایی مثل شما، شما تولید کنید.» که طرف‌های ایرانی این موضوع را به‌عنوان یک اهانت تلقی می‌کنند.

این مساله در آن زمان و طی سفر رئیس‌جمهور چین به ایران پذیرفته نمی‌شود یا مورد توجه کافی قرار نمی‌گیرد تا اینکه به مرور بعد از اینکه تحریم‌ها شروع می‌شود، ایران احساس می‌کند که اگر ما این پیشنهاد را می‌پذیرفتیم، می‌توانستیم در چرخه تولید و در زنجیره ارزش جهانی جایگاهی داشته باشیم.

چین تیان
عضو هیات‌علمی انستیتو روابط بین‌الملل معاصر چین

باتوجه به مشاهداتی که داشته‌ام، واکنش رسانه‌های چینی به توافقنامه ۲۵ ساله ایران-چین بسیار آرام و بی‌سروصداتر از بحث‌هایی بوده که در رسانه‌های ایران مطرح شده است. این مساله از یک‌سو خوب است، زیرا افکار عمومی ایران تلاش می‌کنند تا درمورد مناسبات بین ایران و چین صحبت کنند و به شناخت بهتری درباره چین برسند، اما از سوی دیگر پدیده نسبتا بدی نیز وجود دارد که در آن گمانه‌زنی‌های اشتباه و شایعاتی درخصوص این یادداشت تفاهم مطرح می‌شود. باید با این شایعات مقابله کرد. این خبرهای جعلی یا فیک‌نیوز که درخصوص مناسبات ایران و چین مطرح می‌شود، تنها به این مناسبات محدود نیست.

چین حتی در زمان تحریم‌های آمریکا علیه ایران مناسباتش را با ایران حفظ کرده است. این یعنی پکن به تهران نگاه ویژه‌ای داشته است. چین در این دوره کالاهایی به ایران صادر کرده و کالاهایی را نیز از ایران وارد کرده و همچنین در پروژه‌هایی در حوزه گاز جنوب ایران مشارکت داشته است. بحث همکاری‌های ایران و چین در حوزه افغانستان و پاکستان نیز مطرح است. از این منظر مناسبات ایران و چین خاص است. هر مناسباتی افت‌وخیز دارد و الان همکاری‌های بین دو کشور رویکرد گسترشی داشته است. چین البته مهم‌ترین شریک تجاری برای ایران نیست. چین مشارکت‌های راهبردی زیادی در خاورمیانه داشته است. رویکرد پکن در منطقه خاورمیانه رویکرد متوازنی بوده و چین تلاش کرده روابطش را با مصر، ترکیه، عربستان سعودی و اخیرا هم امارات عربی متحده توسعه بدهد. ایران تنها یکی از این کشورها است که چین خواستار توسعه همکاری‌ها با آن است. ایران تنها شریک استراتژیک ما در منطقه نیست. در ایران هم این گونه است و علت آن نیز روشن است. اگر به سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی نگاهی داشته باشیم، متوجه می‌شویم در سیاست خارجی ایران روندی وجود داشته برمبنای نه شرقی نه غربی، از جایی به بعد سعی شد این سیاست با موازنه مثبت در منافع مشترک تلفیق شود شاید به نوعی هم شرقی هم غربی در چارچوب منافع. یک نگاه کلی در سیاست خارجی ایران وجود دارد و چین نیز یکی از شرکای مهم ایران در بلوک شرق بوده است. با این منطق باید گفت چین هیچ قصدی برای وابسته کردن ایران به‌خود ندارد. باید صادقانه بگویم چین توان این کار را نیز نداشته است.

چین در منطقه خاورمیانه یا غرب آسیا هیچ پایگاه نظامی ندارد، به‌استثنای جیبوتی که این کشور نیز از منطقه تا حدی دور است. چین هیچ رویکردی برای پارادایم نظامی در منطقه خاورمیانه ندارد. رویکرد پکن در خاورمیانه تا حدی متفاوت است و در آن ثبات منطقه‌ای بسیار مهم است. بنده خبرهایی درباره نفتکشی که در آب‌های یمن حضور دارد و در وضعیت خوبی نیست خوانده‌ام. این خطر وجود دارد که نفت این کشتی به دریا نشت کند. این مساله می‌تواند یکی از حوزه‌های همکاری بین ایران و چین باشد. یکی از حوزه‌های همکاری بین دو کشور می‌تواند حوزه محیط‌زیست باشد.

چین در دوره‌ای قرار دارد که آمریکا به این کشور فشار وارد می‌کند. آمریکا همزمان درحال وارد آوردن فشار به ایران نیز هست. درعین حال دنیا درحال گذر از یکجانبه گرایی به‌سمت دنیای چندجانبه گرایی است. درباره ایران بخش‌های مالی و انرژی هدف قرار گرفته‌اند و درمورد چین جنگ تجاری و تحریم‌های هدفمند وجود دارند که شرکت‌هایی مانند هواوی براساس آن مورد تحریم قرار گرفته‌اند.

ابوالفضل علمایی
مدرس دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

اگر چشم‌انداز همکاری دو دهه چین و ایران را در نظر بگیریم، قاعدتا تمرکز بر یک برنامه جامع بلندمدت در این زمینه ضروری است. تدوین سند همکاری جامع ایران و چین پاسخی است به همین ملزوماتی که در دو دهه آینده در تحولات بین شرق و غرب آسیا وجود خواهد داشت. بند ششم سند راهبردی که سال ۹۴ در سفر شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین به ایران امضا شد به تدوین برنامه ۲۵ ساله بین دو کشور می‌پرداخت. این برآمده از واقعیت‌های عرصه نظام بین‌الملل و تحولات آتی بین‌الملل است. بی‌شک قرن ۲۱، قرن آسیاست. تحقیقات و پژوهش‌ها بیانگر این است که در سال‌های آتی بیش از ۸۰ درصد از تبادلات تجاری دنیا بین شرق و غرب آسیا اتفاق می‌افتد و این دو مکمل یکدیگرند. در شرایط امروزی غرب و دنیای آن به‌ویژه آمریکا از نظر اقتصادی و سیاسی درحال افول است. سهم آمریکا از تولید ناخالص جهانی از ۵۰ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۲۵ درصد در سال ۱۹۹۱ و درحال حاضر به یک‌هفتم جهان کاهش پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۹ صادرات چین دو تریلیون و ۴۹۹ میلیون دلار بوده، درحالی که میزان صادرات آمریکا یک تریلیون و ۶۴۵ میلیارد دلار بوده است. به لحاظ اقتصادی چین جایگاهی پیدا کرده که قابل انکار نیست. کشورهایی مثل ما با برآمدن قدرتی در سطح جهانی اگر پلن مشخصی داشته باشند، قاعدتا می‌توانند سود و منافع بیشتری ببرند، یعنی راه‌های تعامل خودمان را مشخص و تعیین و کلیاتش را تعریف کنیم. بنابراین براساس همان بند ششم برنامه ۲۵ ساله قاعدتا باید مورد توجه قرار بگیرد و دو طرف بتوانند در این زمینه همکاری کنند. ایران کشور مستقلی است. قاعدتا الان همان‌طور که دوستان اشاره کردند هیات‌های مختلفی از آمریکا به اروپا سفر کرده‌اند که همین دوشنبه دو هفته قبل هیات دیگری به ریاست مشاور امنیت ملی آمریکا به اروپا رفت تا اروپا را از تجارت و کار با چین منع کند. ایران کشور مستقلی است. در اواخر دی ماه ۹۴ تعهدات طرف غربی در برجام آغاز و در هفته نخست بهمن‌ماه نیز سند مشارکت جامع راهبردی بین دو کشور منتشر شد. این امر بیانگر آن است که تقریبا ایران از نظر سیاسی و اقتصادی منافع خودش را درنظر می‌گیرد و براساس آن هم عمل می‌کند. ضمن اینکه پیشینه تاریخی به ما می‌گوید بین ایران و چین هیچ‌وقت چالشی نبوده است. دو کشور کاملا دوست همدیگرند و ایده کمربند-راه که درواقع جاده ابریشم را تداعی می‌کند، راهی بوده است که دستاوردهای دو تمدن ایران و چین را به دنیای غرب می‌برد. بر همین اساس تدوین یک استراتژی مشخص در برنامه ۲۵ ساله مبتنی بر واقعیت‌هاست. پیشینه خوب روابط سیاسی دو کشور این واقعیت را ایجاب می‌کند که به این موضوع توجه شود. پس از انقلاب در ایران، به فاصله دو سال، میزان روابط تجاری ایران و چین دو برابر شد و درحال حاضر چین یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی است که شاید شریک اول تجاری بیش از ۱۳۰ کشور جهان باشد. بنابراین تدوین یک رابطه بلندمدت با چنین کشوری کاملا مبتنی بر منافع ملی است. بر این اساس فکر می‌کنم در دهه‌ها و سال‌های آتی تبادلات تجاری بین شرق و غرب آسیا اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت. ایده کمربند راه که سرعت تبادلات را در قلمرو خاکی افزایش می‌دهد قاعدتا مورد توجه ماست و می‌تواند منافعی را متوجه‌مان کند.

هوا لیمینگ
سفیر اسبق چین در ایران

من یک دیپلمات بازنشسته در وزارت امور خارجه چین هستم که دوبار در ایران کار کردم و جمعا ۱۰ سال در تهران بودم. من دوست صمیمی ملت شما هستم. من شاهد انقلاب اسلامی و تمام تحولات رابطه چین و ایران بودم. بعد از ایجاد جمهوری خلق چین، در رژیم شاه، مردم ایران، چین را به‌عنوان کشور نمی‌شناختند. سال ۱۹۷۱ وقتی هنری کیسینجر به چین سفر کرد، رابطه چین و آمریکا بهبود یافت. رژیم شاه فرستاده و نماینده خود را به چین فرستاد و مناسبات ایجاد شد. مناسبات دو کشور تا پیش از پیروزی انقلاب، هشت سال برقرار بود. من از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۳ در تهران بودم. در ست زمانی که انقلاب شروع شد، من شاهد تمام جریان انقلاب بودم. در مناسبات چین و ایران هم تحولات زیادی ایجاد شده بود. باید گفت زمان شاه، مناسبات چین و ایران بد نبود. به‌خاطر بهبود مناسبات چین و آمریکا، شاه به چین نزدیک شد. نزدیکی چین و ایران در زمان شاه، باعث شد کمی سوءتفاهم بین انقلابیون ایران ایجاد شود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ مناسبات دوجانبه چین و ایران سخت شد. اما بعد از سفر آقای ولایتی وزیر امور خارجه آن زمان و سفر وزیر خارجه چین به تهران این سوءتفاهم رفع شد. چین و ایران دو کشور استقلال طلب هستند و دو کشور می‌خواهند مستقل باشند و مستقل تصمیم بگیرند. براساس همین بنیاد مشترک، رابطه چین و ایران بعد از انقلاب اسلامی مخصوصا از لحاظ سیاسی خیلی خوب بوده است. از سال ۱۹۹۱ وقتی من سفیر شدم تا سال ۱۹۹۵ که از تهران رفتم، طرف این پنج سال، مناسبات بازرگانی دو کشور خیلی ناچیز بود. برای اینکه ما نفت ایران را وارد نمی‌کردیم و کالا برای مبادله خیلی کم بود. با همه تلاش‌هایی که من در زمان سفارتم داشتم، متاسفانه در پایان ماموریتم در تهران، حجم مبادلات تجاری چین و ایران چیزی بیشتر از ۴۰۰ میلیون دلار نبود. این وضع همین‌طور ادامه داشت تا ۱۹۹۳ وقتی چین تبدیل به یک کشور واردکننده نفت شد. اما باز هم یک مشکل وجود داشت. سال ۱۹۹۳ ما نتوانستیم نفت ایران را بخریم، به‌علت اینکه پالایشگاه‌های چین مناسب برای نفت خام ایران نبودند. سه‌سال بعد چند پالایشگاه بزرگ چین، خود را اصلاح کردند و تجهیزات جدیدی اضافه کردند که بتوانند نفت‌خام ایران را وارد کنند. بعد از این، رشد رابطه تجاری چین و ایران خیلی سریع بالا رفت. اینجا می‌خواهم به یک موضوع اشاره کنم؛ در رابطه چین و ایران هیچ مشکلی وجود نداشته و تنها مانعی که در راه مناسبات چین و ایران وجود دارد، آمریکا است. همیشه در رابطه چین و آمریکا، روسای جمهوری آمریکا به روسای جمهور چین تذکر می‌دادند که نباید به ایران بسیار نزدیک بشوید. در ۲۰۱۶ یعنی چهار سال پیش، رئیس جمهور چین به ایران سفر کرد. این بازدید رسمی رئیس جمهور چین بعد از ۱۳ سال بود؛ یعنی ۱۳ سال رؤسای جمهور چین به ایران سفری نداشتند. این اولین سفرشان بود و در این سفر چین و ایران توافق کردند مناسبات استراتژیکی ایجاد شود و توافق کردند تفاهمنامه همکاری‌های بلندمدتی ایجاد بشود. همه می‌دانند که رابطه چین و آمریکا خیلی مناسب نیست و آمریکا فشارهای زیادی به چین و ایران وارد کرد. تفاهمنامه ایران و چین انعکاس بسیار شدیدی در داخل ایران پیدا کرد اما در چین انعکاس زیادی پیدا نکرد، چون هنوز رسمی نشده. چین و ایران باید خیلی هشیار باشند، چرا که آمریکا ۲۰ سال سعی کرده جلوی توسعه و رشد مناسبات چین و ایران را بگیرد. فکر می‌کنم نباید اجازه سوءاستفاده به دیگران را بدهیم.

مهدی یوسفی
مدیربرنامه آموزش آنلاین دانشگاه مطالعات بین‌الملل شانگهای چین

من از سال ۲۰۱۶ به چین و شهر شانگهای آمدم. از زمانی که بحث توافق مطرح شده، من تماس زیادی با اساتید و نخبگان سیاسی چین داشتم و سعی کردم دیدگاه‌های آنها را نسبت به ایران احصا بکنم. بنده با سیاستمداران چینی و اساتید چینی سخن گفتم تا بزرگ‌ترین مساله و نگرانی آنها نسبت به ایران را پیدا کنم. اقتصاددانی به اسم آقای پو در روزنامه چینی نوشت که «ما به‌عنوان چین خیلی باید مواظب باشیم. ما باید از گذشته درس بگیریم. ما در لیبی و ونزوئلا سرمایه‌گذاری کردیم ولی همه‌چیز خراب شد و ما همه‌چیز را به‌خاطر بی‌ثباتی آن کشورها از دست دادیم. الان ما باید ببینیم که آیا در ایران به اندازه کافی ثبات وجود دارد؟» این موضوع یک نگرانی خیلی بزرگ برای نظام حاکمه چین و همچنین کسانی است که دوست دارند سطح روابط ایران و چین را یک مرحله بالاتر ببرند. یک‌سری موانع ریشه‌ای‌تر از نظر شناختی وجود دارد. اینکه بین سیاستمداران چینی و حالا به‌طور کلی فرهنگ چین، مساله دین و حالا به‌طور خاص اسلام به‌عنوان یک دین خیلی ناشناخته است و عنصر محوری و اساسی نیست و تا بیایند فرهنگ ایران را بشناسند خیلی مشکل دارند، یعنی بعضی مفاهیم پایه‌ای فرهنگ ایران، خیلی سخت است. در برنامه‌های تحت‌عنوان مطالعات غرب آسیا یا خاورمیانه در چین غلبه با کشورهای عرب است، نه ایران. این مشکلات به‌لحاظ زیرساختی وجود دارد.

درمورد ابعاد رسانه‌ای توافق ایران و چین، من تلاش کردم بر موضوع تمرکز کنم. یک نکته خیلی مهم در رابطه با سیاست خارجی و رسانه‌های چین این است که برخلاف فرهنگ آمریکایی‌ها که دوست دارند به چیزهایی که جدی نیست، آب و تاب بدهند، عادت ندارند سروصدا کنند. فرهنگ چینی دقیقا برعکس این است. چینی‌ها تمایلی به اینکه خودشان را افشا کنند، ندارند. تمایلی به اینکه سروصدا راه بیندازند و بگویند ما این کارها را می‌کنیم، ندارند. زیرا تجارت چین با آمریکا بیش از یک‌چهارم تجارت خارجه چین را تشکیل می‌دهد و پررنگ شدن موضوع رابطه با ایران یا تعامل و همکاری با ایران یا مطرح شدن آن از سوی مقام‌های پکن، می‌تواند سطح تنش چین با آمریکا را بالاتر ببرد و به همین دلیل هم رسانه‌های چین و هم مقام‌های چینی تمایل دارند که در رابطه با این موضوع سکوت بکنند. طرح یک کمربند-یک جاده یک اتفاق خیلی مثبت و سازنده است و به‌نوعی به دوستان چینی هم نشان می‌دهد که طرح همکاری ایران و چین بعد از پنج سال بالاخره به ثمر نشست، یعنی درواقع در ذهن اینها این بود که از همان زمان که رئیس جمهور چین به ایران آمده، چین این قصد دوستی را داشته و تمایل داشتند که این همکاری شکل بگیرد ولی پنج سال زمان برد که ایران به این متنی که منتشر شده، رسید. باز هم می‌بینیم این متن خیلی کلی است و خیلی جای کار دارد و همان‌طور که دوستان چینی گفتند خیلی تا اجرا فاصله دارد. من فکر می‌کنم اگر ما بخواهیم ۲۵ سال با چین توافق بکنیم باید حداقل پنج سال برویم و بیاییم و صحبت بکنیم و ببینیم که چه کار می‌خواهیم بکنیم. نمی‌شود که مثلا هواپیمایمان دارد می‌رود آمریکا یا اروپا، میان آن بیاییم یک روز هم در پکن توقف بکنیم، یک سلام‌علیکی بکنیم دو تا عکس بگیریم و بعد بگوییم ما با چین توافق کردیم. این اتفاق نمی‌افتد. هیچ‌وقت بدون مذاکرات دقیق نمی‌توانیم یک توافق پایدار و واقعی با چین داشته باشیم.

ادامه در صفحه ۷

فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

ادامه از صفحه ۲

جین لیانگ شیانگ
عضو هیات‌علمی انستیتو مطالعات بین‌الملل شانگهای چین

درحال حاضر بحث‌های زیادی درمورد مناسبات ایران و چین مطرح است. در یک دهه اخیر به‌ویژه در چند هفته گذشته نیز زیاد حرف زده شده است. فکر می‌کنم ایران و چین دلایل بسیار زیادی برای مناسبات جامع و مشارکت راهبردی بین خودشان داشته باشند. دو طرف سابقه بسیار زیادی در تمدن آسیا دارند و تجارب زیادی داشتند ولی غرب با هر دو کشور مخالفت کرده است. در سال‌های اخیر شراکت‌های جامع راهبردی بیشتر و بیشتر شد و چین به‌صراحت از حق مشروع ایران که در برجام تصریح شده، حمایت کرده و مخالف تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران بوده و ایران هم همواره در حمایت از چین آماده بوده است. چین در سال‌های گذشته شریک بزرگ ایران بوده و ایران هم یکی از شرکای بزرگ چین در منطقه بوده است. با وجود تحریم‌هایی که وجود داشته، مبادلات بین دو کشور در پنج سال گذشته بسیار گسترش پیدا کرده است.

در عصر جدید یعنی بعد از انقلاب، ایران از منظر اقتصادی تحت تحریم‌های آمریکا بوده و از نظر سیاسی هم از جانب آمریکا به انزوا کشانده شده است. از لحاظ نظامی هم تهدید شده و یک نوع ذهنیتی در ایران شکل گرفته که خب ما به‌سمت چین می‌توانیم برویم یا نه؟ در این دیدگاه، سابقه مناسبات چند صد ساله بین ایران و چین وجود داشته است. این نکته را توجه داشته باشید که چین هرگز در مسائل داخلی کشورهای دیگر مداخله نکرده و یکی از سیاست‌های اصلی در اصول سیاست خارجه چین پرهیز از مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر بوده، اما متأسفانه با وجود اینکه روابط دوستانه‌ای بین ایران و چین وجود داشته، هنوز مناسبات به اندازه‌ای که باید گسترش پیدا نکرده است. لازم است یک کنشگری فعال در این حوزه داشته باشیم. بنده با بسیاری از دوستان ایرانی خودم در مناسبت‌های مختلف و کنفرانس‌های مختلف تعامل داشتم و درمورد تعاملات و همکاری‌های راهبردی با آنها صحبت کردم. یکی از ادعاهایی که مطرح می‌شود این است که چین می‌خواهد در ایران پایگاه نظامی داشته باشد. این هرگز صحیح نیست. ما در جیبوتی هم که پایگاه داریم، پایگاه لجستیک است نه نظامی. بحث دیگر بحث مناسبات اقتصادی است. یک نگرانی‌هایی درمورد چین در ایران وجود دارد. درمورد حضور اقتصادی چین در ایران می‌گویند: «چین می‌خواهد بر فضای اقتصادی ایران سلطه پیدا کند.» سیاست چین یک سیاست برد-برد هست. من فکر می‌کنم این نگاه‌های نادرست مانعی برای همکاری‌های بین ایران و چین است. درعین حال یک مشکل دیگری هم در روابط ایران و چین وجود دارد و آن، سیاسی شدن مسائل هست. من فکر می‌کنم این هم یک مانع در عرصه توسعه مناسبات چین و ایران است. ما می‌دانیم که باید رابطه ایران و چین را توسعه بدهیم به‌صورتی که به‌نفع دو طرف باشد، اما متأسفانه مناسبات چین و ایران به‌خاطر سیاسی شدن مسائل یا فضای سیاسی و جبهه‌گیری‌های سیاسی در ایران، با وقفه همراه شده است. ما سیاسیون در ایران توجه نکردند که این می‌تواند به‌نفع ایران باشد و چین هم طبیعتا در همکاری‌هایش با ایران به‌دنبال منافع خودش است. یکی از چالش‌هایی که ما در همکاری با ایران داریم، تحریم‌های آمریکا علیه ایران است. اما درمجموع اعتقاد راسخ دارم که مناسبات چین و ایران می‌تواند آینده بسیار روشنی داشته باشد. بنده تأکید دارم که دانشمندان و اندیشمندان ایران می‌توانند به شفاف‌سازی همکاری چین و ایران بپردازند تا شناخت بهتری از چین در ایران شکل بگیرد.

درخصوص طرح یک جاده-یک کمربند ما چهار یا پنج حوزه داریم. بحث اول بحث زیرساخت‌هاست. می‌دانید که ایران به‌نوعی در قلب غرب آسیا واقع شده و به قفقاز هم نزدیک است. این موقعیت جغرافیایی ایران می‌تواند نقش بسیار مهمی در این پروژه داشته باشد. نکته دوم؛ ما از نظر اقتصادی می‌توانیم نقش مکملی برای همدیگر داشته باشیم. مقوم همدیگر باشیم، ما می‌توانیم همکاری‌های زیادی در حوزه‌های مختلف داشته باشیم. ایران در حوزه انرژی بسیار غنی است و درمورد همکاری‌های مالی هم می‌توانیم همکاری‌هایی داشته باشیم. همکاری‌های مالی به‌خاطر تحریم‌ها متأثر شد. ایران و چین در تلاش هستند بر این مشکلات فائق بیایند. معتقدم همکاری‌های ایران و چین می‌تواند از لحاظ فنی به‌جایی برسد که بر این مشکلات مالی فائق بیاییم و این می‌تواند الگویی برای پیشرفت مناسبات و همکاری‌های مالی و اقتصادی در جهان و در عرصه بین‌المللی در آینده باشد.

غلامعلی خوشرو
نماینده سابق ایران در سازمان ملل

چینی‌ها به‌نظر من دوست داشتند پنج سال دیگر آرام کار کنند تا به نقطه‌ای برسند که اقتصاد اول جهان بشوند. الان چین اقتصاد دوم است، ولی پنج سال دیگر با همین سرعت پیشرفت، اقتصاد اول جهانی می‌شدند. اقتصاد اول جهان می‌شد و در تکنولوژی سنتی و مدرن جایگاهی پیدا می‌کرد که آمریکا توان مقابله با او را نداشت. چینی‌ها در ۴۰ سال اخیر سیاست را به حاشیه بردند و اقتصاد را محور قرار دادند و شروع به کار کردن با کشورها کردند. الان هم رقابت‌شان با آمریکا، رقابت ایدئولوژیک نیست، رقابت ژئواکونومی، رقابت اقتصادی، رقابت فنی است و منافع خودشان را هم درنظر دارند، اما در راستای منافع چین یعنی منفعت خودشان را درنظر گرفته، ما هم منفعت خودمان را درنظر داریم. جایگاه ما به‌شکلی است که به ما اجازه می‌دهد با چین روابط استراتژیک داشته باشیم، چه بخواهیم چه نخواهیم. در هر دوره‌ای هم که بود به‌خاطر اینکه چین اولین مصرف‌کننده انرژی در جهان است و ایران دارای انرژی نفت و گاز است، دو کشور باید روابط ثابتی برقرار می‌کردند. پس الان که آمریکا دیگر خریدار انرژی نفت ما یا خاورمیانه نیست و خودش به‌عنوان رقیب ایران، نفت صادر می‌کند چه باید کرد؟ ما تکنولوژی، سرمایه‌گذاری و پیشرفت می‌خواهیم و چین هم در درجه اول انرژی می‌خواهد که ما داریم. البته اشاره به پروژه کمربند- جاده کردند که پروژه‌ای بسیار بلندپروازانه است که در آن ازطریق بنادر و ازطریق زمین، چین رابطه مستقیمی با اروپا و آفریقا پیدا می‌کند و خیلی سریع و پرشتاب می‌تواند بر تمام این مسیرهای استراتژیک تسلط داشته باشد. پس چین دنبال این منافع است. از طرف دیگر ایران هم یک موقعیت خاص استراتژیک دارد. جنوبش خلیج‌فارس و شمالش دریای خزر است. موقعیت جغرافیایی، نیروی انسانی و ارزش استراتژیک ایران به ما کمک می‌کند با چین یک رابطه استراتژیک راهبردی داشته باشیم. متاسفانه ما ایرانی‌ها فکر می‌کنیم هر پیشرفت و تمدنی در غرب است. مثلا ما فکر می‌کنیم انگلیس، همان انگلیس ۱۰۰ سال پیش است که در امپراتوری‌اش آفتاب غروب نمی‌کرد. الان انگلیس خودش سالی ۶۳ میلیارد دلار از چین واردات دارد. اگر شرکت‌های انگلیسی را از چین اخراج کنند، اقتصاد انگلیس هم با شکست مواجه می‌شود. اما آمریکا چه نگاهی به سند همکاری ایران و چین دارد؟ سیاست خارجی آمریکا مبتنی بر ایجاد شکاف و تفرقه است. موتور محرکه سیاست خارجه آمریکا ایجاد شکاف است. در این دولت که الان برسر کار هست، هر جایی یک تفاهم همکاری بوده، آمریکا ابتدا تلاش کرده تفاهم همکاری را به‌هم بزند و اگر موفق نشده، از بیرون باید سعی کرده فشار را از بیرون به آن تحمیل کند. بعد از این سند همکاری، نیکی هیلی، همتای سابق بنده نوشته که این تفاهم ایران را از انزوای بین‌المللی خارج خواهد کرد و نفوذ چین را در اقتصاد و در راه‌ها افزایش خواهد داد و چین موقعیت بی‌نظیری به‌دست می‌آورد. آمریکا که پایش را گذاشته روی گردن ایران و فشار می‌آورد، همان افسر خونسرد آدمکشی است که آن سیاه‌پوست را به آن شکل کشت. آمریکا عین همین فشار را به ایران می‌آورد تا ایران را از پا دربیاورد. تا اسم همکاری می‌شنود، اعصابش به‌هم می‌ریزد که ایران دارد از انزوا خارج می‌شود. طبیعتا ایران از انزوا خارج می‌شود و از زانوی منحوس را کنار می‌زند و روی پای خودش می‌ایستد. ایران چند هزار سال است که قدمت دارد، بنابراین ما باید بدانیم این تفاهم ۲۵ ساله فعلا بیشتر از یک نقشه راه نیست و به پروژه تبدیل شده است. من امیدوارم تبدیل به پروژه‌هایی بشود که در آن منافع ایران و چین دیده شود. یکی می‌گوید به‌دلیل اینکه ما در بقیه چیزها ناتوان بودیم این کار هم درست نیست. این چه استدلالی است؟ ما مثلا چون نمی‌توانیم تنیس خوب بازی کنیم، فوتبال هم نمی‌توانیم خوب بازی کنیم؟ بعضی از منتقدان می‌گویند چون ما یکدست نیستیم پس نمی‌توانیم با خارج هماهنگی کنیم! خب اگر با فرانسه و کانادا و کجا و کجا همکاری کنیم چه؟ ما باید برنامه ۲۵ ساله با همه از جمله با آلمان، فرانسه، اسپانیا و برزیل هم داشته باشیم. ما باید نگاه‌مان به دنیا نگاه برنامه‌ریزی شده بلندمدت باشد. در آن صورت هست که ما می‌توانیم مرفه بشویم. در این برنامه ۲۵ ساله بسته به اینکه ما چقدر آمادگی برای کار داشته باشیم، می‌توانیم در پروژه‌هایی که تعریف می‌کنیم، منافع کشور را ببینیم. ما هیچ‌وقت با کنار زدن دیگران به جایی نمی‌رسیم. ما با همکاری می‌توانیم وضع خودمان را بهبود ببخشیم.

فن خونگ دا
عضو هیات‌علمی دانشگاه مطالعات بین‌الملل شانگهای چین

ماه گذشته دولت ایران اعلام کرد که ایران و چین درحال رسیدن به توافقی تحت عنوان برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله هستند، انتشار این خبر شک و مخالفت برخی از ایرانیان داخل کشور را به‌همراه داشت. همچنین رسانه‌های اسرائیل، آمریکا، انگلیس و سایر کشورها نیز گزارش‌های منفی بسیار اغراق‌آمیزی در این زمینه منتشر کردند که همه اینها باعث شد بی‌اعتمادی ایرانیان نسبت به دولت در زمینه این برنامه همکاری با چین بیشتر شود. از طرف دیگر صادقانه بگویم در داخل چین نیز دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه توسعه روابط با ایران وجود دارد. در نتیجه برنامه همکاری جامع ایران و چین قبل از شکل گیری نهایی با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است.

سوال این است که آیا چین واقعا آمادگی لازم برای توسعه روابط با ایران را دارد؟ آیا ایران واقعا مقدمات لازم برای تعمیق روابط با چین را فراهم کرده است؟ درحقیقت ایران و چین هر دو باید به برخی از نگرانی‌های طرف مقابل پاسخ بدهند. پس از امضای توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵ ایران دیپلماسی خود را بر اروپا متمرکز کرد و تمایل و اشتیاق چندانی برای توسعه روابط با چین نداشت. در این دوره شور و شوق ایران برای توسعه روابط با چین زیاد نبود، اما بعد از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۸ و اعمال فشار حداکثری، دیپلماسی تمایل به غرب در ایران دچار افول شد. در چنین شرایطی ایران توان بیشتری را معطوف به تقویت دیپلماسی با چین کرده است. اکثر افراد مطلع در چین از مقامات، اندیشمندان، اصحاب رسانه گرفته تا مردم عادی دقیقا این موضوع را به‌خاطر دارند به همین خاطر این افراد غالبا سوالاتی این چنین را مطرح می‌کنند که آیا ایران به‌راستی در پی تعمیق روابط خود با چین است؟ پیشنهاد ایران برای تعمیق روابط با چین در این شرایط آیا تحت تأثیر فشار آمریکا و اروپا نبوده است؟ آیا ایران در بهبود روابط با کشورهای اروپایی و آمریکا بازهم به چین توجه خواهد داشت. برخی از اندیشمندان چینی نسبت به نیت واقعی دولت ایران از اعلام برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله بین ایران و چین در چنین شرایط و تمایل واقعی ایران برای توسعه روابط با چین تردید دارند. برای دوره‌ای نسبتا طولانی دیپلماسی چین تحت تأثیر روابطش با آمریکا بوده است. این موضوع خوبی برای ایران که مدت‌هاست با آمریکا درگیری جدی دارد نیست. همچنین تجربه ایران در طول تاریخ و ضربه خوردن از قدرت‌های بزرگ باعث شده تا در همکاری با قدرت‌های بزرگ ترس و نگرانی داشته باشد. ایران از اینکه بخواهد تبدیل به مهره‌ای در دست قدرت‌های بزرگ بشود و به منافعش آسیب برسد بسیار نگران است. به همین خاطر عده‌ای از ایرانی‌ها نسبت به نگرش واقعی چین نسبت به ایران تردید دارند. آیا چین به خاطر بد بودن روابطش با آمریکا، تعمیق روابط با ایران را برگزیده است؟ همکاری عمیق با چین منجر به سلطه چین خواهد شد؟ ورود چینی‌ها باعث آسیب‌زدن به طبیعت ایران خواهد شد؟ همکاری با چین به حاکمیت و استقلال ایران لطمه خواهد زد؟

همچنین تبلیغ آمریکا و سایر کشورها مبنی بر اینکه برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله بین ایران و چین شامل انتقال خاک ایران و اجازه ورود نیروهای نظامی چین به ایران، باعث شده تا زخم کهنه تاریخی ضربه خوردن از کشورهای قدرتمند سر باز کند. کاملا واضح است که بسیاری از ایرانیان در مواجهه با چین فعلی، حالتی سرشار از نگرانی داشته باشند. بنابراین بدون درنظر گرفتن تأثیر سایر کشورها و تنها با درنظر گرفتن مشکلات بین ایران و چین، اجرای واقعی همکاری جامع کاری بسیار دشوار است. این یک واقعیت است.

آرزوی ما که امروز درباره روابط ایران و چین صحبت می‌کنیم چیست؟ مسلما آرزوی‌مان این است که روابط میان دو کشور روز به روز گسترش پیدا کند. به همین خاطر وظیفه ما دانشمندان پیدا کردن راهی برای تقویت و گسترش روابط میان دو کشور است. به اعتقاد من یکی از روش‌های موثر برای تحقق این هدف از بین بردن موانعی است که بر سر راه توسعه روابط دو کشور قرار دارد. مثل پاسخ فعالانه طرفین به شک و تردیدهایی که در هر طرف وجود دارد. پایه و اساس همکاری ایران و چین در زمینه‌های گوناگون با یکدیگر متفاوت است بنابراین همکاری دو طرف در زمینه‌های مختلف باید بر اساس شرایط واقعی انجام شود. ایران و چین بارها بر اهمیت توسعه روابط دو جانبه تأکید کردند اما این حرف‌ها اگر عملی نشوند کمکی به تقویت روابط دو کشور نخواهند کرد. به همین خاطر بهتر است طرفین این حرف‌ها را به مرحله عمل برسانند.

اعتقاد دارم که عدم شناخت متقابل میان ایران و چین به‌حدی جدی است که بر توسعه سالم روابط میان دو کشور تأثیر منفی گذاشته است. به همین خاطر چین و ایران قبل از مذاکره درباره برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله باید هرچه سریع‌تر به تقویت شناخت عینی در باره یکدیگر بپردازند زیرا میزان پیشرفت در روابط دو کشور وابسته به میزان درک و شناختی است که نسبت به هم دارند.

محسن شریعتی‌نیا
عضو هیات‌علمی دانشگاه شهید بهشتی

مساله شناخت خیلی مساله جدی نیست، چون این رابطه، تعامل بین دو دولت است، نه رابطه دو ملت. در کوتاه‌مدت این رابطه بین دولت‌ها جریان دارد، یعنی این که چینی‌ها از ما نفت بخرند خیلی ارتباط ندارد به اینکه چقدر ما را می‌شناسند. مثلا رابطه هند و پاکستان را نگاه کنید، این دو همدیگر را بسیار می‌شناسند. کره جنوبی و شمالی جوامع‌شان همدیگر را بسیار می‌شناسند. درمیان قدرت‌های بزرگ شناخت جامعه ایران از جامعه آمریکا بیش از هر قدرت بزرگی است، ولی مشکلات ما با آمریکا بیش از هر قدرت بزرگی است. بنابراین عمده کردن بحث جامعه و شناخت به‌نظرمن آدرس دقیقی نیست. مشکلات در رابطه دو دولت است. این سند بین دو دولت است، نه بین دو ملت؛ بحث فرهنگ مهم است منتها در میان‌مدت و درازمدت. الان بحث دولت‌هاست و بحث قدرت دولتی است که می‌تواند این سند را پیش ببرد یا پیش نبرد.

بعد از این مقدمه رابطه ایران و چین رابطه‌ای قدیمی است، بنابراین نباید فکر کنیم که دولت‌ها همدیگر را نمی‌شناسند. آنها هم یکدیگر را نمی‌شناسند، یعنی شناخت‌شان بسیار ضعیف است. نکته دوم در روابط بین‌الملل تعامل کشورها چهار مرحله «تعامل»، «تفاهم»، «همکاری راهبردی» و «اتحاد» است. ۸۰ درصد روابط کشورها در تعامل باقی می‌ماند. در سال ۲۰۲۱ وارد پنجاهمین سال روابط مدرن ایران و چین می‌شویم، یعنی سال آینده در پنجاهمین سال رابطه ایران و چین هستیم. دربرابر آن دوهزار سال، رقم خیلی اندکی می‌شود و در این ۵۰ سال، حدود ۴۰ سال رابطه ما در قالب تعامل بوده است. ۱۰ سال است که تلاش می‌کنیم تفاهم را در سطح دولت‌ها شکل دهیم. این سند شاید نماد پایان دوره تفاهم است، یعنی دو دولت با هم به یک تفاهم رسیدند و وارد سخت‌ترین دوره روابط شدند، یعنی همکاری راهبردی. همکاری راهبردی ساده نیست؛ بحث‌های دوستان چینی بسیار دقیق است. در همکاری راهبردی به‌نظرم چند نکته مهم است؛ نکته اول اینکه این سند یک نقشه راه است، بنابراین به‌طور طبیعی به برنامه عملیاتی نیاز دارد و این برنامه باید میان دولت‌ها و در سطح بروکراسی راهبردی بین دو کشور تبیین شود. اگر بروکراسی راهبردی -به‌ویژه در چین- اراده‌ای نداشته باشد برای اینکه سند جلو برود، حتما جلو نخواهد رفت، حتی اگر تمام کتاب‌های چینی به فارسی ترجمه شوند. بنابراین مخاطب دولت‌ها هستند. نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم تقویت اعتماد راهبردی است و ما در این زمینه مشکل داریم. در سطح دو دولت مشکل آشکار است. اینکه چطور می‌توانیم کمبود اعتماد راهبردی را جبران کنیم، بزرگ‌ترین چالش اجرای این سند است. نکته دوم در اجرایی شدن یک سند یادر پیشبرد همکاری‌های راهبردی جایگاه آمریکاست. رابطه ایران و چین در سطح دولت‌ها هیچ‌وقت یک رابطه دوجانبه نبوده است. ایران از سال ۱۹۴۲ تا سال ۱۹۷۱ چین را به‌رسمیت نشناخت، به این دلیل که آمریکا چین کمونیست را به‌رسمیت نمی‌شناخت. از سال ۱۹۷۱ ایران شروع به رابطه با چین کرد برای اینکه آمریکا چین را به‌رسمیت شناخت. بعد از انقلاب ایران، آمریکا نقش بسیار کلیدی در این امر داشت که رابطه ما را محدود کند. براساس آمارهای رسمی سهم ما از بازار نفت چین سه درصد است، درحالی که پیش از تحریم‌ها شاید سهم ما بالاتر از ۱۷ درصد بود. اینکه چطور می‌توانیم یک تعریف مشترک از نقش آمریکا در این زمینه داشته باشیم، بسیار اهمیت دارد که این رابطه تعریفی ابزاری نداشته باشد. به‌طور تاریخی این ارتباط از تعریف ابزاری بسیار آسیب دیده است و هر دو طرف احساس کرده‌اند که کارت بازی دیگری هستند. اگر آمریکا درست تعریف نشود به‌شکلی که نگاه ابزاری از این رابطه حذف نشود، به‌نظرمن این سند اجرا نخواهد شد. چین از مسیر بازار وارد ایران شده و بنابراین دو طرف نگرش بازاری به هم دارند. این رابطه نمی‌تواند راهبردی باشد و حداکثر بازاری می‌شود و باید از ارتباطی بازاری به سمت راهبردی برویم. نکته بعد مدیریت تفاوت‌هاست. ما تفاوت‌هایی در سیاست خارجی دو کشور داریم. بحث اسلام سیاسی بسیار حساس است و مباحث دیگری هم هست که در آن برنامه عملیاتی که تدوین می‌شود، تفاوت ایجاد می‌کند. به‌نظرم الیت راهبردی دو کشور و بروکراسی راهبردی باید به جمع‌بندی‌های مشترک روی تفاوت‌ها برسند. نکته نهایی، شگفتی‌های راهبردی است که در رابطه رخ می‌دهد. در چند دوره، رابطه ایران و چین دچار شگفتی راهبردی شده و این امر مسیر رابطه را تغییر داده است. ما چطور می‌توانیم شگفتی‌های راهبردی را مدیریت کنیم، به‌صورتی که به مسیر رابطه آسیب نزند؟ کرونا یک شگفتی راهبردی بود. از این شگفتی‌های راهبردی در آینده بیشتر می‌شود، چون سیستم بین‌المللی به‌سمت دوره بعد از ثبات هژمونیک حرکت می‌کند، سورپرایزها در سیستم بیشتر می‌شود، کشورها سیاست‌هایشان تغییر می‌کنند و درک متقابل و تداوم همکاری‌های راهبردی در چنین فضایی بسیار سخت‌تر از فضای ثبات هژمونیک است و ما باید آماده باشیم برای اینکه اگر فردا اتفاقی در رابطه آمریکا و چین یا ایران و چین افتاد، مسیر این رابطه یک‌بار دیگر به‌طور کل عوض نشود و این اتفاق و مشکل تاریخی در این ارتباط به‌وجود نیاید.

«ووبینگ بینگ»
عضو هیات‌علمی دانشگاه پکن

از نظر چین، ایران کشوری با نفوذ جهانی است و نقش سازنده‌ای برای ترویج ثبات منطقه ایفا می‌کند. نگاه چین به ایران به‌صورت راهبردی و از منظر بلندمدت است.

از نگاه چین، ایران و چین می‌توانند مشارکت جامع استراتژیک داشته باشند. ایران می‌تواند شریک مهمی برای طرح یک جاده-یک کمربند باشد. ایران یک قدرت منطقه‌ای در مقابل هژمونی‌های منطقه‌ای و درعین حال، یکی از اصلی‌ترین تامین‌کننده‌های انرژی در جهان هست. براساس این نگاه، چین یک رویکرد بسیار مثبت درخصوص ایران برای همکاری‌های دوجانبه در حوزه‌های مختلف اتخاذ کرده است. حالا ایران به چین چه نگاهی دارد؟ به نظر من نوعی سوءتفاهم وجود دارد که برخی مدعی‌اند که چون ایران گزینه‌ای نداشته سراغ چین آمده است. این درست نیست. ایران کشور مستقلی است و همیشه قدرت مستقل بوده است. پس نمی‌توان گفت همکاری‌های ایران و چین تاثیر بدی بر ایران می‌گذارد و این همکاری به‌خاطر محدودیت‌های گزینه‌های ایران نیست. این همکاری‌ها به‌نفع دوطرف خواهد بود. درعین حال باید توجه داشته باشیم که ایران و چین دو قدرت مستقل هستند و به همین خاطر چین از برجام حمایت کرد و چین در مقابل هر کارشکنی برای رفع تحریم تسلیحاتی ایران بوده است. همه اینها براساس منافع مشترک هست. براساس این شناخت استراتژیک، باید یک اعتماد استراتژیک وجود داشته باشد. درست است که نوعی شناخت استراتژیک بین ایران و چین وجود دارد اما هنوز هم باید تلاش‌های بسیار زیادی بشود تا این اعتماد استراتژیک شکل بگیرد. ما باید نگاه‌مان به‌سمت اعتماد تغییر کند. بدون اعتماد نمی‌توانیم به شناخت برسیم. ما باید این اعتماد را در حوزه‌های مختلف بیشتر و بیشتر کنیم تا به اعتماد استراتژیک برسیم. ما نباید به همدیگر آسیب برسانیم. نکته دوم درمورد مسیر هست و اینکه چگونه همکاری داشته باشیم؟ اعتقادم براین هست که چین و ایران روابط بسیار دوستانه‌ای دارند.

اما ما باید تلاش کنیم روابط دوستانه را بلندمدت کنیم. دوستانه بودن روابط کافی نیست. ما چطور می‌توانیم رابطه بلندمدت داشته باشیم؟ بستر آن از طریق دیپلماسی عمومی است و از طریق ارتباط ملت با ملت، رهبران با رهبران، تجار با تجار، مسئولان با مسئولان. تمام این مناسبات باید تقویت شود. سازوکار ما باید از سطح وزارتخانه فراتر باشد فقط یک وزارتخانه نباید فعال باشد. فقط یک حوزه نباید فعال باشد بلکه در حوزه‌های مختلف و در وزارتخانه‌های مختلف باید کار کنیم. ما باید یک سازوکار دوجانبه داشته باشیم. بدون داشتن این سازوکار نمی‌توانیم بحث‌های پایدار و متکثری داشته باشیم. بدون این مکانیسم‌ها، روابط فقط در سطح حرف خواهد بود. ما باید بر اقدامات عینی و ملموس هم متمرکز بشویم. باید برنامه و پروژه‌های عینی و ملموس داشته باشیم. یک نکته کلیدی دیگر هم این هست که ایران باید شرکت‌های بزرگ و متوسط چینی را بپذیرد. می‌دانیم که ایالات‌متحده برای یک شرکت بزرگ خیلی مشکل‌ساز بوده است. ما الان می‌توانیم شیفت داشته باشیم به سمت شرکت‌های متوسط و کوچک و این می‌تواند همکاری‌های ایران و چین را بسیار گسترش بدهد. نکته سوم این هست که در حوزه مناسبات دوجانبه، بعضی از حوزه‌ها بسیار مهم هستند. من فکر می‌کنم که ایالات‌متحده تلاش می‌کند ایران را نابود کند اما این اتفاق رخ نمی‌دهد. ایران کشور و ملتی قوی است و قابلیت‌های بسیار زیادی دارد. باید بر توسعه در بازه زمانی ۱۰ ساله، ۲۰ ساله، ۲۵ ساله تمرکز کنیم. نکته بعدی مسائل هایتک و فناوری‌های بالاست. فناوری پیشرفته به ما برای توسعه ایران کمک می‌کند. حوزه دوم همکاری‌ها، حوزه همکاری آموزشی است. در این زمینه تعداد دانشجوهای ایرانی در چین و دانشجویان چینی در ایران خیلی مهم است. مبادلات فرهنگی هم خیلی مهم است. همان‌طور که می‌دانید الان به اندازه کافی این مبادلات فرهنگی قوی نیست، الان در چین، تعداد کتاب‌هایی که از ایران به زبان چینی ترجمه می‌شود، خیلی زیاد است. فکر می‌کنم که ایرانی‌ها هم باید آثار چینی را از چین به زبان فارسی ترجمه کنند. ما آثار زیادی در حوزه ادبیات چین داریم و این به ایرانی‌ها کمک می‌کند تا شناخت بیشتری در رابطه با چین داشته باشند.

نکته دیگر همکاری‌ها، گاز طبیعی یا ال‌ان‌جی هست. ایران منابع و ذخایر بسیار زیادی از گاز دارد و با وجود تمام فشارها باید همکاری‌ها در حوزه گازی گسترش پیدا کند. یک نکته دیگری که خیلی مهم است بحث گردشگری هست. باید در حوزه گردشگری تمرکز کنیم چراکه سبب می‌شود ارتباط ملت با ملت افزایش پیدا کند. نکته بعدی، بحث همکاری‌های منطقه‌ای است. ایران و چین می‌توانند همکاری‌های دوجانبه، سه‌جانبه و چندجانبه داشته باشند برای اینکه در کشورهایی مثل لبنان، عراق، سوریه و حتی افغانستان کارهایی را انجام بدهند. مقابله با تروریسم می‌تواند بخشی از حوزه‌های همکاری بین ایران و چین باشد.